

# نقش آموزش عالی در کار آفرینی و اشتغال دانش آموختگان رشته کشاورزی

دکتر بهمن خسروی پورا - نرجس کابلی<sup>۲</sup>

## چکیده

مشکلات ناشی از بیکاری در جامعه به خصوص در میان دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی رو به تزاید است و در این رابطه نظام آموزش عالی کشاورزی می‌تواند با آموزش‌های کارآفرینی و توانمندسازی دانشجویان نسبت به زمینه‌ها و مهارت‌های مختلف مورد نیاز و کاربردی، این معضل را کمرنگ نماید. کارآفرینی را می‌توان موضوعی بین رشته‌ای قلمداد کرد، چرا که در حوزه‌های مختلف دانش به آن توجه شده است. کارآفرینی فرایندی است که با خلاقیت و نوآوری همراه شده و موجب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و مناسب می‌شود. تهدیدات، کمبود فرصت‌های مناسب، عدم وجود اهداف سیاسی مشخص برای آینده، رقابت بین کشورها، جهانی شدن، و غیره از شرایطی هستند که بر کارآفرینی تأثیر می‌گذارند. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب، اسناد و سایت‌های اینترنتی تدوین شده است، تلاش شده ضمن بررسی مفاهیم کارآفرینی، به نقش آموزش عالی کشاورزی در زمینه کارآفرینی و تأثیر آن در اشتغال دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی پرداخته و در این رابطه راهکارهای لازم را ارائه نماید.

## کلمات کلیدی:

کارآفرینی، اشتغال، آموزش عالی، دانش آموختگان

۱- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین (اهواز)

۲- دانشجوی کارشناسی ترویج و آموزش کشاورزی

## مقدمه

به علت تنگناها و مشکلات بخش کشاورزی و عدم استفاده از ظرفیت‌های بالقوه آن، بازار کار کشاورزی در ایران دچار نارسایی‌ها و مشکلاتی است. مشکلات و تنگناهای بخش کشاورزی که به طور جدی تأثیر گذار در بازار کار می‌باشند، عبارتند از: کمبود سرمایه، بهره‌وری غیراصولی از منابع آب و خاک کشور، معیشتی بودن واحدهای بهره‌برداري خرد، پایین بودن سطح فناوری تولید، عدم وجود یک الگوی جامع و هماهنگ توسعه، پایین بودن سطح بهره‌برداري و بازدهی تولید، تشخیص نادرست نیازها و اولویت‌های بخش، عدم وجود اطلاعات و آمار دقیق و کامل در زمینه‌های مختلف کشاورزی و روستایی، عدم برخورداری از یک سیستم بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی (شریعت زاده، ۲۰۰۲)

امروزه بیکاری در بسیاری از کشورها، حتی کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان یک مشکل اساسی مطرح می‌شود، برای حل این مشکل، سیاستگذاران غالب کشورها را با چالش‌های بزرگی روبرو کرده است به طوری که می‌توان گفت، ثبات و یا زوال برخی دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری می‌باشد. تجربه ثابت کرده که این بحران و پیامدهای اجتماعی آن نه راه حل‌های فوری و ایدئولوژیک و اخلاقی دارد و نه محو همه جانبه، یکپارچه و کوتاه مدت آن امکان پذیر است.

اما می‌توان امیدوار بود که با شناخت دقیق تفاوت‌هایی که از لحاظ مزیت‌های نسبی میان بخش‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی در کشور وجود دارد و نیز با توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر یک از بخش‌ها، زمینه را برای کاهش مشکلات ناشی از این بحران فراهم نمود. بسیاری از کشورها از جمله راه حل‌های برون رفت از این بحران را کارآفرینی می‌دانند و به آن توجه فوق العاده‌ای می‌کنند (زمانی، ۱۳۸۳)

حال با توجه به تنگناهای ذکر شده در بخش کشاورزی و مشکلات ناشی از گسترش روز افزون بیکاری در جامعه، در آموزش کشاورزی باید گستره‌ای از فرصت‌ها و برنامه‌های فرهنگی برای دانشجویان فراهم کرد، همچنین برای نوآموزان و دانش‌آموختگان باید برنامه‌های کار متنوع ایجاد کرد، به جای تحقیق و درگیر کردن خود در مسائلی از قبیل جنسیت و قومیت و مانند آن، باید کارآفرینی و عملکرد و دانش و رفتار و نظراتی که فرد در مورد موضوعات گوناگون دارد و همچنین خلاقیت، توسعه و کارآیی مدارس پایه کشاورزی مورد توجه قرار گیرد. (آلستون ۲۰۰۳)

هنگامی سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی مفید و موثر واقع می‌شود که دانش‌آموختگان موسسات و دانشکده‌های کشاورزی به عنوان محصولات این نظام در جایگاه اصلی و تخصصی خود که آموزش دیده‌اند قرار گرفته و از اشتغال در بخش‌های غیرتخصصی و فرعی که باعث ضایع شدن کلیه سرمایه‌ها و منابع مصرف شده است، دوری کنند. (تبرایی، ۱۹۹۳)

از آغاز زندگی بشر کارآفرینی همواره در تمام مراحل و امورات زندگی انسان حضور داشته و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های آن به شمار می‌آید.

## مفهوم کارآفرینی

ژوزف شومپیتر معتقد است کارآفرینی نیروی محرک اصلی در توسعه اقتصادی است و نقش کارآفرین عبارت از نوآوری یا ایجاد ترکیب تازه از مواد می‌باشد (پالمر، ۱۹۸۷)

کارآفرینی، خلاقیت و کسب و کارهای مخاطره آمیز، سوخت موتور اقتصاد مدرن را فراهم می‌کنند. کارآفرینان که در رأس کسب و کارهای مخاطره آمیزند، در جستجوی فرصت‌ها

تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها (زمانی، ۱۳۸۳)

کارآفرینی فعالیتی خلاقه شبیه به خلاقیت در هنر و علم است. کارآفرین باید مانند هنرمند و دانشمند، ایده‌ای را در مخیله خود بپروراند، وقتی که ایده پیدا شد، باید برای تحقق آن در عمل مبارزه کند، برای انجام این امر، وقت زیادی گذاشته و با خطرات مالی مواجه می‌شود و تمام آنها نیاز به انرژی و نظم زیادی دارد (سالازار به نقل از سیامک نطق، ۱۳۸۰)

کارآفرینی عبارت است از انجام اموری که عموماً در دوره عادی روال تجاری به انجام نمی‌رسند، کارآفرینی اساساً پدیده‌ای است که وجه گسترده‌تر آن رهبری است (کوراتکو به نقل از ابراهیم عامل محرابی، ۱۳۸۳)

در نهایت، شاید بهترین تعریفی که می‌توان ارائه کرد این است که کارآفرینی عبارت است از فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها، با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی که با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می‌پذیرد (هیستریج ۲۰۰۲)

### کارآفرین

کارآفرین ترجمه واژه Entrepreneur است. این واژه خود از لفظ فرانسوی Entrepreneur به معنای عهده دار شدن کاری گرفته شده است. کارآفرین کسی است که سازماندهی، مدیریت و پذیرفتن

هستند، و خلاقیت‌ها اغلب ابزاری برای موفقیت آنها تلقی می‌شوند. کارآفرینان به عنصر تغییر به عنوان یک پدیده معمولی می‌نگرند، و همیشه در جستجوی تغییر هستند. کارآفرینان منابع را از حوزه‌هایی که بهره‌وری پایین دارند به حوزه‌هایی که دارای بهره‌وری بالاتری هستند، تغییر مکان می‌دهند (مقیم، ۱۳۸۳)

از دیدگاه اسپر کارآفرینی فرایندی است که برای شرکت‌های معتبر، چه کوچک و چه بزرگ، رقابتی مستقل و جدیدی را معرفی می‌کند، وی کارآفرینان را کسانی می‌داند که باعث افزایش رقابت می‌شوند، شرکت را به چالش می‌اندازند، به دنبال فرصت‌های مناسبی می‌باشند تا بازار نیازهای برآورد نشده را برآورده کنند، باعث انتقال فناوری‌ها شوند، ایده‌ها و نظریات جدیدی را به وجود آورده و آنها را به اجرا درآورند، موجب ترغیب سرمایه‌گذاری شوند و همراه با آن به دنبال مشاغل جدید می‌باشند (استینرا، ۲۰۰۱)

کارآفرینی فرایندی است که در آن کارآفرین، فعالیت کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند (دراکر، ۱۹۸۵)

لایوسی کارآفرینی را چنین تعریف می‌کند، کسی که فرصت بازار را درک می‌کند و سرمایه لازم را برای بهره‌برداری، یکپارچه می‌نماید (برومندنسب، ۱۳۸۲)

کارآفرینی عبارتست از فرایند ایجاد ارزش از راه



خطرات یک شرکت تجاری را عهده دار می‌شود. کارآفرین شتاب دهنده تغییرات در جهان تجارت است (کوراتکو به نقل از ابراهیم عامل محرابی، ۱۳۸۳)

منشأ ایجاد هر کسب و کار جدید یک کارآفرین است، فردی که یک ایده یا یک فرصت تشخیص داده شده را برای ارایه یک خدمت، با پذیرفتن ریسک‌ها و خطرات احتمالی ناشی از آن ایده جدید، پیگیری نموده است.

کانلیون کارآفرین را فردی می‌داند که ابزارهای تولیدی را به منظور ادغام آنها برای تولید محصولاتی قابل عرضه به بازار ارائه می‌کند (پالمر ۱۹۸۷)

کارآفرینان کسانی هستند که با ایجاد محصولات و خدمات نوین مورد نیاز مردم، درآمد خوبی کسب می‌کنند. معمولاً گمان می‌رود که کارآفرینان در راه اندازی شرکت‌ها تبحر دارند. امروزه بیشتر مشاغل جدید را شرکت‌های کارآفرین ایجاد می‌کنند (کوک به نقل از میترا تیموری، ۱۳۸۲)

دانهوف بر این عقیده بود که ذهن کارآفرین متوجه تغییر فرمول می‌باشد زمان کمی را صرف اجرای فرمول خاصی می‌کند، وی عمل کارآفرین را به سه دسته: به دست آوردن اطلاعات مرتبط، ارزیابی از نظر سودآور بودن و در نهایت راه‌اندازی و عملیات تقسیم می‌کند، از نظر وی تصمیم‌گیری نقش بنیادی در عملکرد دارد (پالمر ۱۹۸۷)

کاسون کارآفرین را به عنوان شخصی تعریف می‌کند که در تخصیص منابع کمیاب بر اساس تصمیمات مبتنی بر قدرت تشخیص فردی، تخصص دارد. کرچهوف کارآفرینان را افرادی می‌داند که شرکت‌های جدید را که سبب ایجاد و رونق شغل‌های جدید می‌شوند، شکل می‌دهند (برومندنسب، ۱۳۸۲)

کارآفرین یک فرصت را در می‌یابد و برای پیگیری آن فرصت، یک سازمان را راه‌اندازی می‌کند و فرآیند کارآفرینی تمام وظایف، فعالیت‌ها و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پیگیری آن فرصت‌ها ارتباط می‌یابد، در بر می‌گیرد (بیگراو، ۱۹۹۴)

جفری تیمونز، کارآفرین را ایجاد کننده یک چیز ارزشمند از هیچ می‌داند. بنابراین کارآفرین کسی است که دارای قدرت درک بالا می‌باشد و توان پیدا کردن خلاء و فرصت‌ها را دارد و می‌تواند در جامعه از طریق پرورش ایده و تبدیل فکر خود به یک محصول جدید اقدام به ارزش آفرینی از هیچ نماید (سعیدی کیا، ۱۳۸۸)

### خصوصیات کارآفرینان

با توجه به اینکه بیش از نیمی از جامعه حدود ۷۰ میلیونی کشورمان را جوانان تشکیل می‌دهند و شاید اولین دغدغه ذهنی آنان و خانواده‌هایشان و حتی سیاست‌گذاران جامعه اشتغال این افراد جویای کار است. آگاهی مدیریت اجرایی و اقتصادی جامعه از ویژگی‌های کارآفرینان می‌تواند به شناسایی کارآفرینان بالقوه و هدایت آنها در جهت استفاده از توانایی‌های بالقوه شان شود (برومندنسب، ۱۳۸۲)

کارآفرین دارای ۶ ویژگی عمده است:

- ۱- اعتدال در میزان خطر را ترجیح می‌دهد
  - ۲- مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرد
  - ۳- اعتماد به نفس دارد
  - ۴- به دنبال بازتاب عملکرد خود است
  - ۵- به هدف و مشکلات خود بیش از مردم توجه دارد
  - ۶- دستاوردگرا می‌باشد (سالازار به نقل از سیامک نطق، ۱۳۸۰)
- با بررسی مطالعات مختلف می‌توان ویژگی‌های مورد نیاز یک کارآفرین را به صورت زیر جمع بندی نمود:

اعتماد به نفس؛ نوآوری و خلاقیت؛ پشتکار زیاد؛ انگیزش؛ اهل کار و عمل بودن؛ پیشقدم بودن؛ ریسک‌پذیری؛ آینده‌نگر بودن و داشتن چشم انداز؛ نتیجه‌گرا بودن؛ آرمان‌گرایی؛ نیاز به توفیق



## انواع کارآفرینی

به طور کلی کارآفرینی در سه دسته مطرح می‌شود که شامل:  
۱ - کارآفرینی آزاد یا مستقل: کارآفرین مستقل فردی است که مسئول جمع آوری منابع لازم را برای شروع کسب و کار است و یا کسی که منابع لازم برای شروع و یا رشد کسب و کاری بسیج می‌نماید و تمرکز او برنوآوری و توسعه فرایند محصول یا خدمات جدید می‌باشد.

۲ - کارآفرینی سازمانی: فرایندی است که در آن محصولات یا فرایندهای نوآوری شده از طریق القا و ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان از قبل تأسیس شده، به ظهور می‌رسند. نوآوری سازمانی در واقع اشاره به نوآوری کالا یا خدمات دارد و در آن تأکید بر روی توسعه و نوآوری در فناوری می‌باشد.

۳ - کارآفرینی بین المللی: به فرایند هدایت فعالیت‌های اقتصادی در فراسوی مرزهای ملی اطلاق می‌شود. وقتی یک کارآفرین فعالیت شغلی خود را در بیش از یک کشور به اجرا می‌گذارد، کارآفرینی بین المللی به وجود می‌آید (شاه حسینی، ۱۳۸۸)

می‌کند. وقتی درآمد به طور متناسب توزیع شود، کارآفرینی شکوفا می‌گردد.

\* کارآفرینی موجب بهره برداری از منابع و فعال شدن آنها برای بهره وری عظیم ملی می‌شود: کشور از نظر اقتصادی سریع تر توسعه می‌یابد، اگر از منابع آن به خوبی استفاده شود. کارآفرینی همچنین راهی برای استفاده بهینه از منابع مالی خانواده و پس اندازهای شخصی ایجاد می‌کند که در غیر این صورت ممکن است صرف اهداف غیرموثر یا تجمل گرایی (مانند خرید اقلام وارداتی) گردد.

کارآفرینی موجب سود اجتماعی از طریق دولت می‌شود: با درآمدهایی که دولت از طریق مالیات، حقوق گمرکی و واگذاری پروانه کارآفرینان اخذ می‌کند می‌تواند در پروژه‌های مختلف مانند ساختن جاده‌ها و پل‌ها، سرویس‌ها و تسهیلات پزشکی و آموزشی، حفظ صلح و آرامش و دیگر موارد سرمایه گذاری کند (سالازار به نقل از سیامک نطق، ۱۳۸۰)

## ماهیت و تأثیرات پشتیبانی دولت از کارآفرینی

برای موفقیت، تشویق توسعه کارآفرینی، نه تنها در سطح کلان بلکه باید به تمامی بخش‌های خرد جامعه نیز سرایت کند و تنها دارای نیروی انسانی، مالی و تسهیلات لازم برای اجرای چنین برنامه‌ای است، دولت می‌تواند قوانین و سیاست‌های حامی کارآفرینان را تدوین کند. عملکرد وسیع دولت به آن اجازه می‌دهد تا موثرترین عامل در تشویق توسعه کارآفرینی باشد. از قدرت دولت برای تأثیر بر فعالیت‌های حامی کارآفرینی می‌توان استفاده کرد که از جمله آنها می‌توان به سیستم‌های آموزشی اشاره کرد.

دولت از طریق سیستم آموزشی و موسسات وابسته به آن می‌تواند مفهوم کارآفرینی را از نظر اقتصادی و اجتماعی معرفی کند، با این که مبحث کارآفرینی می‌تواند به عنوان یکی از دروس به فراگیرانی که تمایل به درک کارآفرینی دارند، آموخته شود تا بتوانند قابلیت‌های خود را ارزیابی کنند. برای ارتقای کارآفرینی، می‌توان ابزار آموزشی با موضوع کارآفرینی را در میان فراگیران توزیع نمود. ابزار آموزشی مانند کتاب، جزوات، راهنماها و مأخذهای چگونگی شروع و مدیریت مؤسسات می‌توانند باعث افزایش آگاهی فراگیران شده و آنها در زمان شروع کار خود آمادگی بیشتری خواهند داشت. مؤسسات آموزشی نیز باید از فراگیرانی که روحیه و توان کارآفرینی دارند حمایت کنند، آنان باید تشویق شوند و در نتیجه پس

## تأثیرات اقتصادی و اجتماعی کارآفرینی

بسیاری از مسائل و چالش‌ها از قبیل امنیت، اشتغال، بهداشت و درمان، فرهنگ سازی، تحقیق و توسعه و غیره در جوامع وجود دارند که نیازمند اندیشه‌های نو و بدیع است (شورتل و دیگران ۱۹۹۶) زمانی که کارآفرینی به عنوان شغل توسط بسیاری از اعضای یک جامعه پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد. موارد زیر را از جمله منافع حاصله از کارآفرینی در جامعه می‌دانند:

۱ - کارآفرینی موجب اشتغال می‌شود: زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند، حداقل به یک یا دو کارمند استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. بعضی از افراد صدها نفر را استخدام می‌کنند. وقتی فعالیت کارآفرینی یک جامعه آهسته‌آهسته شود، نرخ بیکاری آن جامعه افزایش می‌یابد.

\* کارآفرینی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد: کارآفرینان پیوسته در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدید هستند. ارتقای محصولات جدید و انجام خدمات مورد نیاز، زندگی را راحت تر و ساده تر می‌کند

\* کارآفرینی موجب توزیع متناسب درآمد می‌شود و اضطراب‌های اجتماعی را آرامش می‌بخشد: کارآفرینی در مقیاس وسیع در جامعه از شکل گیری یک گروه کوچک مرفه که انگشت شمارند و توسط کارشان روز به روز ثروتمندتر می‌شوند، جلوگیری

کارآفرینی  
همچنین راهی  
برای استفاده بهینه  
از منابع مالی خانواده و پس  
اندازهای شخصی ایجاد می‌کند که در  
غیر این صورت ممکن است صرف  
اهداف غیرموثر یا تجمل گرایی  
(مانند خرید اقلام  
وارداتی) گردد.

از فارغ التحصیلی، به جای جویندگان کار، افرادی را خواهیم داشت که خود می‌توانند کار جدیدی را شروع کنند (سالازار به نقل از سیامک نطق، ۱۳۸۰)

### اشتغال و بیکاری دانشی آموختگان نظام آموزش عالی

اشتغال در رفاه مردم جامعه ما، نقش بسیار مهمی دارد. انسان‌ها بخش عمده‌ای از هویت خود را از آن می‌گیرند و بنابراین اشتغال، در شکل‌گیری خود انگاره اشخاص نقش چشمگیری دارد. برای کسانی که وظیفه دارند به ایجاد اشتغال کمک کنند، واجب است که اطمینان حاصل نمایند دانشجویان از آمادگی کافی به منظور ورود به بازار کار، برخوردار هستند (ترابی مهربانی، ۱۳۸۶)

آموزش عالی در دو دهه اخیر گسترش سریعی یافته است. افزایش ظرفیت‌های آموزش عالی از طریق ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در کلیه استان‌های کشور و از طریق ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی موجبات افزایش قابل ملاحظه‌ای در عرضه دانش آموختگان دانشگاه‌ها شده و عدم هماهنگی بین فرصت‌های شغلی موجود در بخش‌های مختلف اقتصاد به خصوص بخش کشاورزی و به عبارتی کمبود تقاضا، بروز پدیده بیکاری بسیاری از دانش آموختگان دانشگاهی و بالاخص رشته کشاورزی را فراهم ساخته است. اگرچه مسئله بیکاری با توجه به تبعات آن در ناهنجاری‌های اقتصادی "اجتماعی و فرهنگی برای کلیه آحاد جمعیت کشور آزار دهنده و برای اقتصاد کشور بازدارنده است، با این حال بیکاری دانش آموختگان دانشگاه‌ها به طور عام و دانش آموختگان رشته کشاورزی به طور خاص از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. این اهمیت به دلیل سرمایه‌گذاری انجام شده برای تربیت نیروی انسانی ماهر در کشور و بلااستفاده ماندن آن در فعالیتهای اقتصادی و وارد ساختن خسارت به اقتصاد ملی از یک سو و فراهم نبودن زمینه برای محول کردن نقش‌های اجتماعی به افراد فرهیخته برای نیل به اهداف توسعه کشور از دیگر سو و در عین حال امکان بروز اعتراض و عکس‌العمل در جامعه به سبب با سوادی و آگاهی بیشتر است. (بختیاری ۱۳۸۸)

کسانی که در مراکز آموزشی و دانشگاهی کشورمان، تحصیلات خود را به پایان می‌رسانند، اغلب به دلیل نداشتن تجربه کاری با مشکلات بسیاری مواجه هستند. آن‌ها توان مالی و اعتماد به نفس لازم برای شروع کسب و کار مناسب را ندارند. به همین دلیل بیشتر مایل به پشت میزنشینی و استخدام در نهادهای رسمی (دولتی و غیردولتی) بوده و کمتر به این می‌اندیشند که به عنوان یک کارآفرین عمل کرده و ایده‌ها و آموخته‌های خود را که اغلب همراه با ابتکار و نوآوری‌های فردی و جمعی است،

در قالب یک حرفه یا شغل پیاده کنند. از سوی دیگر اشتغال در زمینه‌های مرتبط با رشته‌های تحصیلی مهم‌ترین آرزوی هر دانش آموخته دانشگاهی است که متأسفانه به یک چالش خوف‌انگیز برای قشر تحصیلکرده کشورمان که نقش سلول‌های بنیادی را در بدنه جامعه ایفا می‌کنند، بدل شده است. (مومنی ۱۳۸۸)

بیکاری دانش آموختگان بخش کشاورزی مسأله ساده‌ای نیست که به راحتی بتوان آن را نادیده گرفت. این درست است که ساختار آموزش عالی ما در بخش کشاورزی آن گونه طراحی نشده که دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی را از نظر عملی ساخته و پرداخته کار کشاورزی کند، همچنین این فرضیه نیز قابل قبول است که ۸۰ درصد دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی به دلیل سکونت در شهرها، آمادگی حضور در روستاها را ندارند، اما بدون شک وظیفه سازمان‌های مسئول نظیر سازمان مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی سامان بخشیدن به فعالیت‌های این گروه است. باید بپذیریم که اجرای طرح‌هایی نظیر دبیرستان‌های کشاورزی و غیره اگر چه بسیار مؤثر است، اما جوابگوی خیل بیکاران فعلی بخش کشاورزی و آن‌هایی که از راه می‌رسند، نیست و سامان بخشیدن به این گروه، عزم ملی و حمایت دولت را می‌طلبد. برای اشتغال آفرینی در سایر بخش‌های اقتصادی کشور، میلیون‌ها تومان سرمایه‌گذاری لازم است در حالی که در بخش کشاورزی در شرایطی منحصر به فرد تنها با صرف مبلغی در حدود ۴۰۰ هزار تومان، یک شغل آفریده می‌شود و این نکته‌ای است که همواره مورد غفلت قرار گرفته است. (جمشیدی ۱۳۸۶)

زمانی (۱۳۸۰) معتقد است اشتغال دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی به رونق اقتصادی بستگی دارد، وی مهمترین موانع اشتغال را از دید مسئولین، ضعف علمی و مهارتی دانش آموختگان، سختی دریافت وام، قوانین دست و پاگیر اداری و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا برای کارشناسان کشاورزی عنوان می‌کند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عهده دار رسالت‌هایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند و امروزه صاحب نظران معتقدند دستیابی به توسعه پایدار فقط در سایه به کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می‌شود. بنابراین، برای قرارگرفتن در جاده توسعه و جلوگیری از عقب ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای به کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در سطح سازمان و جامعه پرورش دهند. (نظری کتولی، ۱۳۸۷)

کسانی که در مراکز آموزشی و دانشگاهی کشورمان، تحصیلات خود را به پایان می‌رسانند، اغلب به دلیل نداشتن تجربه کاری با مشکلات بسیاری مواجه هستند. آن‌ها توان مالی و اعتماد به نفس لازم برای شروع کسب و کار مناسب را ندارند.

## اهمیت و جایگاه آموزش عالی در کارآفرینی

آموزش عالی می‌تواند از طریق آموزش، بر خصیصه‌ها و توانایی‌های افراد تأثیر مثبت بگذارد. مهارت‌های افراد از خصوصیات اکتسابی هستند که می‌توان از طریق آموزش، آن‌ها را توسعه داد، همچنین آموزش عالی می‌تواند با طراحی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای کارآفرینی اقدام به تربیت نیروهای کارآفرین نماید. طی این دوره‌ها، آموزش عالی با توسعه و پرورش خصیصه‌های کارآفرینانه و نیز با افزایش توانایی مدیریتی و کارآفرینانه افراد باعث رشد و توسعه کارآفرینی می‌گردد. در همین راستا می‌توان با توجه به نیاز بازار کار به افراد متخصص که دانش مدیریتی و کارآفرینی دارند، اقدام به طراحی درس کارآفرینی برای تمام رشته نماید. آموزش عالی از طریق دانش افزایی می‌تواند باعث افزایش فرصت‌های بازار شده و سطح تقاضای کارآفرینی را ارتقا ببخشد. (شاه حسینی ۱۳۸۸)

یونسکو در پاسخ به چالش‌های دنیای متغیر کار، وظایف آموزش عالی را این گونه بیان می‌دارد: آموزش عالی باید تنوع بیشتری از لحاظ ساختاری همچون پیوند بین شرایط اقتصادی و دروس برنامه ریزی شده، داشته باشد به صلاحیت‌های عمومی، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت شخصی توجه بیشتری نماید و روش‌های منظم ارتباطی بین آموزش عالی و دنیای کار به وجود آورد. یونسکو برای غلبه کردن بر مشکلات طرف عرضه و تقاضای نیروی کار تحصیل کرده ابزارهای ارتباطی خاصی را پیشنهاد کرده که عبارتند از: مشارکت کارفرمایان در توسعه برنامه‌های درسی، در نظر گرفتن کارآموزی صنعتی در برنامه‌های درسی، انعطاف پذیر کردن دوره‌های دانشگاهی و حرفه‌ای و آموزش نیمه وقت شاغلین، کار نیمه وقت دانشجویان در پروژه‌هایی که توسط صنعت اجرا می‌شود و تدارک خدمات شغل و حرفه و کارایی برای کمک به اشتغال دانش آموزان (هاروی ۱۹۹۹)

فرض می‌شود آموزشگران در تشویق دانشجویان برای تأسیس شرکت‌ها در آینده تأثیر زیادی دارند. آموزشگران می‌توانند علاوه بر تشویق دانشجویان برای مشاغل تجاری، آن‌ها را به جهت قرار گرفتن در یک مسیر کارآفرینی سوق دهند (هیستریج ۱۹۹۰)

## نتیجه گیری

اشتغال و بیکاری دانش آموزان دانشگاه‌ها در بسیاری از کشورها به طور عام و در کشور ایران به طور خاص، یکی از مسائل مهم و مورد توجه است. بیشترین فرصت شغلی برای دانش آموزان توسط بخش خدمات تأمین شده ولی متأسفانه بخش کشاورزی در این مورد موفق نبوده است، کارآفرینی یکی از بهترین گزینه‌ها برای رفع این مشکل می‌باشد.

هر اندازه یک جامعه بیشتر در فعالیت‌های کارآفرینی مشارکت فعال داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که آن جامعه با سرعت بیشتری به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابد، چرا که ثابت شده است کارآفرینی بر روی توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیری مستقیم می‌گذارد.

برای توفیق در امر کارآفرینی هر چند خصوصیات ویژه کارآفرینی، لازم و موثر هستند، اما کافی نمی‌باشند، بلکه باید در کنار آن به دانش دیگری که ارتباط خاصی با تأسیس یک مؤسسه آموزشی دارد نیز توجه کرد و در آن مهارت لازم و کافی به دست آورد. اگر ثابت شود که صفات کارآفرینی به طور ذاتی در فرد وجود داشته یا در دوران کودکی پرورش می‌یابند، دلیلی برای عدم تلاش جوانان و افراد بزرگسال برای پرورش این گونه صفات در خود نیست. باید توجه داشت که شخصیت انسان انعطاف پذیر بوده و می‌تواند با آموزش و تلاش و حصول تجربه، ارزش‌ها و مهارت‌های جدیدی را در خود به وجود آورد. با توجه به اینکه خلاقیت، استقلال، خوداتکایی، عزت نفس، قدرت تصمیم گیری و پشتکار از عوامل مهم و تأثیرگذار برای کارآفرینی هستند و از آنجایی که این عوامل قابل آموزش می‌باشند، بنابراین نقش بسیار مهم آموزش عالی کشاورزی، آموزش ویژگی‌ها و خصوصیات ذکر شده و افزایش تمایلات و جهت گیری کارآفرینی و در واقع توانمندسازی کارآفرینانه دانشجویان، بسیار مهم و اساسی است.

## پیشنهادها

با توجه به مطالب ذکر شده، پیشنهادهای ذیل جهت استفاده بهتر و بیشتر از موقعیت‌های کارآفرینی در بین دانش آموزان رشته‌های کشاورزی ارائه می‌گردد:

\* از سوی دولت، نظام تشویق و پاداش مناسب و همچنین سرمایه گذاری کافی در راستای گسترش و اشاعه فرهنگ کارآفرینی در بین دانش آموزان رشته‌های کشاورزی در نظر گرفته شود. در رابطه با تصمیم گیری در زمینه‌های کارآفرینی، معمولاً روش‌های سنتی با اصل کارآفرینی در تضاد بوده، به همین دلیل توصیه می‌شود از شیوه‌های مناسب برای رفع این مشکل استفاده شود. توصیه می‌شود محتوای آموزش در مراکز آموزش عالی کشاورزی متناسب با نیاز بازار کار و جامعه تدوین شود. تدوین و اجرای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهت آشنا کردن دانشجویان رشته‌های کشاورزی با مفاهیم و اصول کارآفرینی، توسعه و تقویت ویژگی‌های کارآفرینی مثل نوآوری و خلاقیت، ریسک پذیری، استقلال طلبی، و غیره از طریق برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی توصیه می‌شود. زمینه‌های مساعد برای همکاری وزارت جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی و سازمان امور اراضی با دانشگاه جهت جذب و تخصیص امکانات زمین و تسهیلات اعتباری تخصیصی برای اشتغال دانش آموزان بیکار دانشگاه‌ها ایجاد شود.



## منابع:

- ۱- بختیاری، صادق (۱۳۸۸). تحلیلی از وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی. قابل دسترسی در: [http://www.jobportal.ir/SI/Default.aspx?ID=9\\_3\\_814\\_1370](http://www.jobportal.ir/SI/Default.aspx?ID=9_3_814_1370)
- ۲- برومند نسب، مسمعود (۱۳۸۲) بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی - اقتصادی، انگیزه پیشرفت، خلاقیت، مخاطره جویی، جایگاه مهارت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه جهت اخذ درجه دکترای رشته روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز قابل دسترسی در: <http://www.modirian.ir/modules/article/view.article.php/150/c5>
- ۳- جمشیدی، محمدرضا (۱۳۸۶). دانش آموختگان بیکار یا بیکاران دانش آموخته. هفته نامه دنیای سبز، قابل دسترس در <http://doniayesabz.anzaliblog.com/8061/index.html>
- ۴- زمانی، غلامحسین (۱۳۸۰). برآورد نیروی متخصص مورد نیاز و آسیب شناسی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی کشور، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۵- زمانی، محسن (۱۳۸۳). بررسی کارآفرینی درون سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان خوزستان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، اهواز
- ۶- سالازار، ملیتو، اس، اکوای و دیاز. پی.اچ. مقدمه‌ای بر کارآفرینی: ترجمه: سیامک نطاق (۱۳۸۰). سازمان ملی بهره وری ایران، تهران: انتشارات کوهسار.
- ۷- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۸). اصول و مبانی کارآفرینی. تهران: انتشارات کیا. چاپ چهاردهم
- ۸- کوراتکو، داند اف. هاجتس، ریچارد ام. نگرشی معاصر بر کارآفرینی. ترجمه: ابراهیم عامل محرابی (۱۳۸۳). جلد اول تهران: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۹- شاه حسینی، علی (۱۳۸۸) جلد اول. کارآفرینی. تهران: آبیژ چاپ دوم
- ۱۰- کوک، جیمز آر. پیش به سوی کارآفرینی: ترجمه: میترا تیموری (۱۳۸۲) اصفهان: نشر آموزه
- ۱۱- مقیمی، محمد (۱۳۸۳). کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی: پژوهشی در سازمان‌های غیردولتی (NGOS) ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۲- موتمنی، علیرضا و ابراهیم جعفری (۱۳۸۸). «کارآفرینی با توسعه تعاونی‌های اشتغال‌زای دانشجویی» قابل دسترسی در <http://www.farheekhtegan.ir/content/view/6048/33>
- ۱۳- نظری کتولی، علی (۱۳۸۷). «چالش‌های اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها» قابل دسترسی در: [http://www.jobportal.ir/SI/Default.aspx?ID=9\\_3\\_814\\_1\\_1828](http://www.jobportal.ir/SI/Default.aspx?ID=9_3_814_1_1828)
15. Alston, A, J & others (2003). The future Role of Instructional Technology in Agricultural Education in North Carolina and Virginia. On line journal of agricultural education, Vol , 44, NO,2
16. Bygrave, W, (1994). The portable MBA in entrepreneurship. N.Y: john wiley & sons Inc.
17. Drucker, p, (1985). Innovation and entrepreneurship. New York: Harrper Collins publisher.
18. Harvay, L, (1999). New Realities: The Relationship between Higher Education and Employment presentation at European Association of Institutional Research. Sweden.
19. Histrich, R.D (1990)./Entrepreneurship/Intrapreneurship. American psychologist. Vol. 45 , No,2.
20. Palmer, M, (1987). The application of psychological testing to entrepreneurial potential. In C. Baumback & j. Mancuso (eds), Entrepreneurial potential. In C. Baumback & J. Mancuso (eds), Entrepreneurship and venture management, NJ: prentice \_ Hall Inc.
22. Shariatzade , M, (2002). Employment problems in agricultural section. Agricultural & Natural Resources Engineering Disciplinary. Vol. 4 , No,12
23. Shortell , S.M. et al. (1996). Remaking Health care in America: Building Organized delivery system. San Francisco: Jossey \_Bass.
24. steinar A.S. (2001). Intrapreneurship in Norwegian industrial firm. Department of Industrial Economics and Technology Management NTNU.
25. Tabraee , M (1993). Assessment of employment status of agricultural graduate of ferdosi university. Master thesis of college of agriculture , university of Tehran.